

### نمودار راداری نمره عدالت در ۱۷ بخش مقایسه بین سال های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۷



## چکیده مدیریتی

عدالت اجتماعی به عنوان ارزشی بنیادین، اثرگذار و گسترده در جوامع معاصر مطرح است و این اهمیت برای نظام جمهوری اسلامی ایران مضاعف است؛ زیرا با جهت گیری و سیاست کلان کشور بعد از انقلاب اسلامی پیوند ناگسستنی دارد. برنامه ریزی و تنظیم سیاست های کلان و خرد کشور جهت اقامه عدالت اجتماعی، نیازمند رصد و پایش مستمر وضعیت موجود و ارائه تصویری دائمی از شرایط کنونی است.

طراحی «شاخص های ترکیبی»، یکی از سازوکارهایی است که از اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی و بعد از نمایان شدن شاخص های منفرد همچون «تولید ناخالص داخلی»، مورد توجه جامعه علمی و سیاستی جهان قرار گرفت. در سالیان گذشته، در موضوع عدالت اجتماعی نیز تلاش های گسترده ای در ایران و جهان جهت طراحی شاخص ترکیبی صورت پذیرفته است. ضعف نظری، عدم انسجام مبانی با معیارها و شاخص ها و از همه مهم تر عدم نگرش به این مسئله به عنوان یک فرآیند مستمر (که عمدتاً معلول خلأ نهادی در این بخش است) از جمله نواقصی بود که در فعالیت های داخلی دیده می شد. در سطح بین المللی نیز بعد از بحران سال ۲۰۰۸، توجه به ابعاد و آثار توزیعی و برابرخواهانه خط مشی ها بیش از پیش مورد توجه بوده و به طور خاص در اروپا، موسسه «برتلسمان» در سال های اخیر تلاش

کرده تا با طراحی شاخص ترکیبی «عدالت اجتماعی»، به برآورد مستمر وضعیت عدالت اجتماعی در کشورهای عضو اتحادیه اروپا پردازد.

نویسندگان گزارش حاضر اولین بار در ابتدای سال ۱۳۹۸ با انتشار کتاب «شاخصی برای عدالت»، ضمن طراحی شاخص ترکیبی عدالت اجتماعی برای جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، به برآورد وضعیت کشور در حوزه‌های مختلف عدالت اجتماعی از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ پرداختند و روند کلی کشور در طی این دهه را با اعداد و ارقام نشان دادند. چنان که گفته شد، یکی از اشکالات به پژوهش‌های داخلی در تحلیل شرایط کشور از حیث تحقق عدالت اجتماعی با توجه به زبان شاخص‌های ترکیبی، فقدان یک رویکرد و جهت‌گیری بلندمدت در رصد دائم و مستمر شاخص ترکیبی است. بدین جهت نویسندگان کتاب «شاخصی برای عدالت»<sup>۱</sup>، در ادامه این مسیر اقدام به برآورد وضعیت عدالت اجتماعی در بازه سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۷ کردند و دو سال ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ نیز بر بازه زمانی محاسبه شاخص افزوده شد. اما این تنها تغییر صورت گرفته در پژوهش حاضر نیست. اصلاح و به‌روزرسانی شاخص ترکیبی با توجه به بازخور نخبگان علمی و سیاستی کشور و البته محدودیت‌های آماری پژوهش و افزودن عنصر وزن‌دهی مبتنی بر آراء خبرگان در بخش‌های مختلف شاخص ترکیبی، دو تغییر برجسته دیگر در ارائه گزارش جدید از شاخص ترکیبی عدالت اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران است.

با توجه به شرایط جدید اقتصادی کشور از نیمه دوم سال ۱۳۹۶ به جهت شوک ارزی، افزایش نرخ تورم و خروج ایالات متحده آمریکا از برجام در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ و به تبع کاهش فروش نفت و منابع درآمدی کشور پیش‌بینی می‌شد که نتایج دو سال ۱۳۹۶ و به‌طور خاص ۱۳۹۷ به‌عنوان طلوعه آغاز شوک جدید به شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور دارای اهمیت باشد. اهمیتی که بخشی از آن در اعداد مرتبط با شاخص‌های این دو سال انعکاس یافت. البته در ضمن جمع‌بندی و تنظیم گزارش حاضر شوک جدیدی به جامعه ایران از اواخر سال ۱۳۹۸ وارد شده که عمدتاً معلول مثلث بحران شیوع ویروس کرونا، تشدید تحریم‌های ظالمانه ایالات متحده و سیاست‌های اقتصادی نادرست سه سال اخیر است و نتایج آن احتمالاً به‌صورت کامل در گزارش سوم شاخص ترکیبی عدالت اجتماعی منعکس

<sup>۱</sup> شاخصی برای عدالت، خاندوزی، سید احسان، مصطفوی، علی و سرآبادانی، حسین (۱۳۹۸)، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

خواهد شد.

اما نتایج حاصل از این گزارش نشان می‌دهد که نمره کل شاخص ترکیبی عدالت اجتماعی از ۴/۶۲ در سال ۱۳۸۵ به ۴/۵۱ در سال ۱۳۹۷ کاهش یافته است که در یک مقیاس کلان معنی‌دار است. این کاهش البته قابل تسری در همه حوزه‌ها نیست. مثلاً در حوزه اقتصاد (تبادلات اقتصادی) شاخص از ۴/۵۶ در سال ۱۳۸۵ به ۴/۷۲ در سال ۱۳۹۷ افزایش یافته است. گرچه این افزایش قابل تسری به تمام بخش‌های حوزه اقتصاد نیست و روندهای به شدت نزولی نیز در برخی بخش‌های این کلان حوزه دیده می‌شود (مانند حوزه مالکیت)؛ اما کاهش نمره کل شاخص ترکیبی عدالت اجتماعی کاملاً وابسته به روند نزولی شاخص در بخش اجتماعی (تعاملات اجتماعی) است. نتایج این گزارش نشان می‌دهد نمره کل شاخص در بخش اجتماعی از ۴/۹۵ در سال ۱۳۸۵ به ۴/۱۲ در سال ۱۳۹۷ رسیده است که حاکی از سقوط آزاد شاخص در این حوزه دارد. عمده این کاهش در حوزه اجتماعی معلول تنزل شدید نمرات مرتبط با شاخص‌های عدالت بین نسلی و بعد شاخص‌های بخش خانواده است. اما نمره شاخص در حوزه سوم (حکمرانی) از ۴/۳۵ در سال ۱۳۸۵ به ۴/۶۹ افزایش یافته است که عمدتاً در بخش‌های این حوزه شاهد فرازوفروید زیاد در این بازه ۱۳ ساله بوده است.

نتایج این گزارش هم‌چنین نشان می‌دهد پیامد اولیه شوک ارزی و تورمی نیمه دوم سال ۱۳۹۶ و نیمه اول سال ۱۳۹۷ در اقتصاد ایران، آثار خود را بر برخی از شاخص‌ها و بخش‌های اقتصادی و اجتماعی گذاشته است؛ گرچه بررسی آثار بلندمدت این شوک نیازمند بررسی داده‌های سال ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ خواهد بود. کاهش نمره کل شاخص ترکیبی در سال ۱۳۹۷ نسبت به سال ۱۳۹۶ چکیده این اثر است که به صورت عینی خود را در روند نزولی نمره کل شاخص در بخش اقتصاد از ۴/۸۶ به ۴/۷۲ نشان می‌دهد. متأسفانه در اثر این شوک جدید، نمره کشور در فقر، نابرابری و کاهش رفاه خانوار افزایشی بوده که حکایت از افزایش فشار به معیشت عمومی افراد جامعه و افزایش شکاف و فاصله اقتصادی و اجتماعی در میان خانوارهای ایرانی دارد (تنها در بخش «کاهش نابرابری» نمره شاخص ۵/۲۹ در سال ۱۳۹۶ به یک‌باره و طی یکسال به ۴/۴۲ کاهش یافته است که این تنزل شدید بسیار معنی‌دار است). روند نزولی نمره کشور در حوزه مسکن این فشار را تقویت کرده و آثار خود را بر حوزه‌های سلامت و آموزش نیز گذاشته است. در حوزه اجتماعی نیز این شوک اقتصادی، آثار خود را عمدتاً در روابط خانوادگی با کاهش نرخ ازدواج و

فرزندآوری و افزایش طلاق و مسائل خانوادگی نشان داده است. در حوزه حکمرانی نیز، کاهش نمره شاخص در بخش «عدالت قضایی» در سال ۱۳۹۷ نسبت به سال ۱۳۹۶ قابل ذکر است.

